

نامه لایه به ضواهرم...



گیرندگان :

آنان که از کهنه پرستی بیزارند.....
آنان که قائل به آزادی اندیشه و انتخاب اند.....
آنان که حجاب را دوست ندارند.....
والبته آنان که حقیقتاً جویای حقیقت اند.....

فرستنده :

سایت مداحان قم www.Maddahan.ir

نویسنده : مهدی عدالتیان

ناشر در فضای مجازی : امیرحسین فلاح اصل

ناشر: انتشارات گل محمدی - پخش: موسسه فرهنگی موعود

به نام خدای مهربان و آگاهی بخش

خواهرم سلام ، نامه ات را خواندم .

نوشته بودی :

... من نمیخواهم ناآگاهانه مثل مادرانم حجاب داشته باشم ، نمی خواهم کهنه پرست باشم ، نمی خواهم تحقیر شوم ، نمی خواهم از دیگران کمتر باشم ، نمی خواهم بدون انگیزه و هدف کاری را که پدر و مادرم می گویند انجام دهم ...

اصلا کجای قرآن نوشته که زن باید حجاب داشته باشد ؟

چرا مردان هر کاری دلشان می خواهد می کنند و همه ی محدودیت ها برای زنان در نظر گرفته شده ؟

چرا نمی گذارید همه آزاد باشند تا مسأله عادی و طبیعی باشد و دیگر هیچ حساسیتی وجود نداشته باشد ؟ شما آنقدر سخت گرفته اید که حتی زنی در خانه اش تنها باشد و بخواند نماز بخواند ، می گویند در حال نماز باید حجاب داشته باشد . مگر خدا مرد است که باید از او هم رو گرفت !؟

اصلا می خواهم بدانم بی حجاب بودن من چه ضرری برای دیگران دارد ؟ من هر طور دلم بخواهد ، لباس می پوشم و آرایش می کنم ؛ این به دیگران چه ربطی دارد ؟ من که به قصد انحراف و ایجاد فساد آرایش نمی کنم .

از این گذشته ، چرا به مرد ها نمی گویند نگاه نکنند ، و زن ها باید خود را بپوشانند ...

البته تصور نکن من بی دین و کافر هستم . باور کن من هم مته تو خدا را قبول دارم ، قرآن را قبول دارم ؛ خیلی هم مومن هستم و اصلا نمی خواهم خدا از من ناراضی باشد ، قدر ناشناس هم نیستم ، می دانم خدا چقدر به من نعمت داده ؛ غرق در نعمت های او هستم و دوست دارم هر روز به او نزدیک تر شوم و او را از خود راضی تر کنم ، در مسائل دقت کنم ، آن ها را بفهمم و آن طور درست است زندگی کنم نه آن طور که به من تحمیل می کنند . من می گویم وقتی این همه خانم بی حجاب هستند ، حجاب داشتن من چه فایده ای دارد ؟ اگر قرار است کسی از بی حجابی من منحرف شود و به دامن گناه بیفتد ، به فرض که من رعایت کنم ، آنقدر بی حجاب هست که باز هم او به گناه بیفتد ، پس چه فرقی می کند من باحجاب باشم یا بی حجاب ؟

از همه ی این ها گذشته چرا اینقدر سختگیری ؟ چرا حتی یک تار موی زن هم نباید بیرون باشد ؟ می خواهم بدانم این یک تار مو چه ضرری دارد ؟ چه فساد ای ایجاد می کند ؟ تو باید به من حق بدهی . آخر من با چه انگیزه ای حجاب داشته باشم و چگونه خودم را قانع کنم ...

آری ، نامه ات را خواندم .

راستش اول خیلی تمایل نداشتیم پاسخی بنویسیم اما برخی از عبارات نامه ات مرا وادار کرد تا دست به قلم ببرم و پاسخی هرچند مختصر برایت بنویسم .

منظورم این عبارت هاست :

من نمی خواهم ناآگاهانه حرکت کنم ...

من قرآن را قبول دارم ...

من دوست دارم خدا از من راضی باشد .

در دل گفتم حقایق را برایت بنویسم . اگر واقعا دنبال آگاهی و رضای خدا باشی درباره ی آن ها فکر می کنی ، به قرآن مراجعه می کنی و وقتی دیدی حرف هایم مستند به قرآن و حکم و عقل است ، آن ها را می پذیری . اما در اگر در حقیقت دنباله رضای خدا و آگاهی نباشی ...

نه معذرت می خواهم ؛ چرا نباشی؟ چرا نخواهی حق را قبول کنی؟ مگر همه ی دنیا و آن چه در دنیاست چه قدر ارزش دارد که به خاطر چند روزه ی دنیا بخواهیم عقل و فهم و ایمان خود را زیر پا بگذاریم؟

من مطمئن ام تو صرفا می خواهی بفهمی و طبق فهم و درک خودت رفتار کنی و به همین جهت مصمم شدم پاسخ نامه ات را بنویسم .

برای این که پاسخ تو روشن تر بیان شود ، همه ی حرف های تو را در ده نکته خلاصه کردم . این ها را برایت می نویسم و یک به یک به آن ها پاسخ می دهم ؛ به این امید که مطالبم را به دقت بخوانی و در عین بی طرفی و انصاف در آن ها دقت کنی و هر کدام را حق یافتی پذیری .

۱- بی حجابی خانم ها چه ضروری برای دیگران دارد؟

۲- آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده؟

۳- چه انگیزه ای می تواند برای حفظ پوشش وجود داشته باشد؟ و به عبارت دیگر فلسفه و حکمت پوشش چیست؟

۴- چرا به مردان نمی گویند نگاه نکنید ، تا زنان مجبور نباشند خود را بیوشانند؟

۵- چرا مردان مجازند هر کاری می خواهند بکنند و هر گونه می خواهند لباس بپوشند ، اما زنان باید پوشش را رعایت کنند؟

۶- درست است که من پوشش را رعایت نمی کنم و با آرایش و لباس های شیک بیرون می آیم ، اما قصد ترویج انحراف و فساد ندارم .

۷- با وجود بی حجاب های فراوان که در هر حال اثر خود را می گذارد ، رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟

۸- اگر همه ی زنان آزاد باشند مسائله طبیعی و عادی می شود .

۹- چرا یه تار موی خانم ها نباید آشکار باشد؟ یه تار مو چه ضرری دارد؟

۱۰- چرا یک خانم وقتی در یک خانه ی خلوت هم نماز می خواند باید پوشش را رعایت کند؟

اما پاسخ ها :

۱- بی حجابی خانم ها چه ضرری برای دیگران دارد؟

پاسخ این سوال را با سخن یکی از بزرگان آغار می کنم که می گوید :

اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی ، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر ، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی های جنسی به هم می آمیزد . اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

به نظر تو اگر محیط کار ، درس ، تحقیق آزمایش و تولید کالاهای مختلف محیطی خالی از زمینه های وسوسه ی شیطانی و دور از نگاه های آلوده و سخن های غرض آلود باشد میزان موفقیت بیشتر است ، یا هنگامی که توجه هر کسی در این محیط ها به جنس مخالف باشد ؟

نداشتن پوشش مناسب بانوان و مهار نکردن آقایان و اختلاط زن و مرد در محیط های مختلف فعالیت های اجتماعی به قدری آثار زیان باری دارد که اگر کمی در آن ها دقت شود ، قطعاً هیچ زن و مرد متعهد و دلسوز جامعه حاضر نیست به چنین وضعی راضی شود .

خواهرم ، من یقین دارم تو هم اگر در آنچه برایت می نویسم دقت کنی و متوجه شوی با عدم رعایت پوشش مناسب چه صدمات جدی و مهمی به افراد جامعه وارد می شود ، هرگز حاضر نیستی در این جرائم سهیم باشی . من به طور خلاصه برخی از ضررهای رعایت نکردن پوشش بانوان را برایت می نویسم :

الف - برهم خوردن آرامش روانی

هنگامی که مردان و زنان در جامعه با حالتی برانگیزاننده ظاهر و هر لحظه با صحنه ای وسوسه گر مواجه شوند ، هوس ها و امیال نفسانی در افراد جامعه بیدار شده و از آنجا که نفس انسان با رسیدن به یک هوس سیر نمی شود و این هوسبازی همچون شعله ی آتشی می ماند که هر چه هیضم به آن برسد فروزان تر می شود ، و از طرفی همه ی هوس ها پاسخ خود را نمی یابد و نمی تواند بیابد ، فشار های عصبی و هیجانات روحی کم کم زیاد می شود و نتیجه ی آن در شکل استرس ، نگرانی ، تفرق حواس ، بد اخلاقی و ... ظاهر می شود .

ب - سست شدن بنیاد خانواده :

مردی که هر روز ده ها زن آرایش کرده و بی حجاب را می بیند و در محیط کار و در مسیر حرکت با آنان مواجه می شود ، به ویژه هنگامی که لبخند و سخنان صمیمی و دلنشین آنان را می بیند و می شنود ، وقتی به خانه می رسد از مشاهده ی همسر خود که از زحمات کار روزانه خسته و غبار گرفته است لذت نمی برد . در این صورت کافی است از تعهد و تقوی هم کم بهره باشد تا همسر خود را با بانوان مقایسه کند و در نتیجه از زندگی خود دلسرد

گردد و زمینهای انحراف و کژ روی و احیاناً جدایی فراهم شود. بارها در جراید خوانده یا از اشخاص شنیده ایم که آقایی با خانمی که در محیط کار یا تحصیل اوست ازدواج کرده و به تقاضای او همسر قبلی خود را طلاق داده است.

افزایش طلاق، افزایش تعداد های کودکان فراری و خیابانی، کثرت فرزندان نامشروع که ناشی از اختلافات خانوادگی و بی میلی زن و شوهر نسبت به ادامه زندگی است قابل انکار نیست، و بیشتر این موارد ریشه در توجه به زنان و مردان در کوچه و خیابان و محل دارد.

خواهرم،

تو تصور می کنی چرا جوانان امروز کمتر میل به ازدواج دارد؟ در قدیم که محیط عمومی از خودنمایی زنان محفوظ تر بود، شیرین ترین آروزی جوانان ازدواج بود و در سنین ابتدایی بلوغ، جوانان به سراغ ازدواج می رفتند. اما متأسفانه امروز می بینیم برخی از جوانان زمانی که نشاط و شور دارند به کامجویی از دختران و زنان بی حجاب مشغول اند و زمانی ازدواج می کنند که زن را تنها برای خدمتکاری و خلاصی از اصرار والدین به ازدواج می خواهند و نشاطی برای زندگی ندارند.

راستی اگر این همه صحنه های برانگیزاننده و چهره ها و آرایش های گوناگون را نمی دیدند و باز هم این چنین بود؟

چه کسی باید خسارت از هم پاشیدگی خانواده ها، دربدری فرزندان، افزایش اضطراب ها و فشارهای عصبی و تبعات این وضع را بپردازد؟

آیا خانمی که با عدم رعایت پوشش لازم و یا لباس ها و زینت ها و آرایش های مهیج در کوچه و خیابان و محل کار ظاهر می شود متوجه آثار عمل خود نیست؟ و آیا ممکن است عامدانه چنین کند؟

ج - تضعیف فعالیت های اقتصادی و فرهنگی در جامعه :

خواهرم، از تو می پرسم :

در کارگاهی که همه مرد باشند یا همه زن، کارها بهتر و با دقت بیشتر انجام می شود، آیا آنجا که دائم توجه مردی معطوف قیافه ی خانمی آراسته باشد و بالعکس؟

آیا در کلاسی که پسر و دختر در فکر ارتباط با یکدیگر و مشاهده ی طرز لباس پوشیدن و راه رفتن و حرف زدن یکدیگر هستند بیشتر تحصیلی علم و کمال می شود یا آنجا که افراد همجنس در یک کلاس هستند و تمام توجه معطوف درست و استاد است؟!

بسیار روشن است که اختلاط زن و مرد و عدم رعایت پوشش لازم از سوی برخی زنان و نیز روحیه ی هوسرانی برخی مردان، ذهن ها را مشغول می کند و بازده کار را کاهش می دهد. علاوه بر این، بارها اتفاق افتاده جوانی که با علاقه مشغول تحصیل بوده با مشاهده ی زنان و دختران جوانی که بدون پوشش صحیح و با خودنمایی و جلوه فروشی های مسموم در جامعه ظاهر شده اند تحریک شده و به وادی هرزگی و پوچی در غلتیده و درس و کار را رها کرده و سر از زندان یا مراکز فساد و اعتیاد در آورده است. آیا جبران خسارت ضایع شدن عمر این جوان ها

کار ساده ای است؟ و آیا ضرری که از این ویرانگری های فکری و فرهنگی متوجه جامعه می شود خسارتی ناچیز و قابل جبران است؟

د- افزایش ناامنی و خیانت:

سارقان همیشه در پی سرقت و تصاحب اموال دیگران هستند، اما هنگامی که شخصی بی احتیاطی می کند و مثلا در خودرو خود را باز می گذارد یا درب منزل را نمی بندد و یا طلا، جواهرات و پول خود را در معرض دید قرار می دهد بیشتر در معرض دستبرد قرار می گیرد چرا که سارقان زمینه را برای فعالیت خود مهیاتر می بینند.

همین طور افراد بیماردل و کسانی که دنبال هوسرانی و کامجویی هستند، وقتی خانمی را می بینند که پوشش لازم را ندارد و یا در مکان های عمومی با آرایش و لباس های برانگیزاننده حضور پیدا کرده، بیشتر تحریک می شوند، به او تعرض می کنند و با ایجاد مزاحمت های مختلف به اذیت و آزار می پردازند تا آنجا که آبرو و حتی جان چنین خانم هایی بارها به دست این گونه افراد به خطر افتاده است.

اگر پرونده ی جانبانی که با عنوان هایی نظیر خفاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو و ... محاکمه شده اند را مرور کنی می بینی تقریبا تمام کسانی که به دام ایشان افتاده و پس از تحمل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده اند. خانم هایی بوده اند که پوشش لازم و خدایسند را نداشته اند. و متأسفانه این گونه قربانیان حوادث ناگوار کم نیستند و شک ندارم که اکثر آن قربانیان هرگز نه قصد ناامنی در جامعه داشته اند و نه از جان خود سیر شده بودند، بلکه به گمان خود می خواستند با لباس و آرایش موردعلاقه ی خود در کوچه و خیابان حاضر شوند. غافل از اینکه این کار چه نتایج تاسف باری به دنبال دارد. تداوم چنین مسائلی باعث افزایش ناامنی و فساد در جامعه و از بین رفتن آسایش فردی و اجتماعی خواهد شد.

ه- کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه:

هنگامی که زنان در جامعه خودآرایی و خودنمایی نکنند و زینت و آرایش و دلربایی را به محیط خانواده محدود کرده و ویژه ی همسران خود قرار دهند، هر مردی برای همسر خود ارزش و احترام لازم را قائل است و نعمت زیبایی وسیله ای برای گرمی زندگی و حفظ حرمت همسران می شوند. اما زمانی که این کار همگانی شود و هر مردی به راحتی از ده ها زن در کوچه و خیابان با نگاه و ارتباط نادرست بهره برد. دیگر حرمت جایگاه زنان و نقش اصلی و امتیازات واقعی آنان به فراموشی سپرده خواهد شد و زنان تنها وسیله ای می شوند برای کامجویی مردان. و در چنین شرایطی است که ممکن است مردی در کمال بی انصافی و نمک نشناسی به همسر خود بگوید: "زن، هر چه بخواهم در کوچه و خیابان ریخته است"

چه زشت است این تعبیر، و چه سنگین است این جرم کسانی که سبب می شوند ارزش زن تا این حد پایین بیاید. و از این دردناک تر سوءاستفاده ی برخی پول پرستان و دنیاطلبان از دختران و زنان و تبدیل کردن آنان به کالا و بلکه کمتر از کالا است.

چقدر تاسف آور است که می بینیم برای فروش یک مجله و به دست آوردن پول بیشتر، از چاپ عکس یک خانم روی جلد استفاده می کنند. و برای جلب مشتری فروشنده ی خانم در فروشگاه می گذارند و برای افزایش

تماشاچیان یک فیلم کسانی را که حاضرند خودنمایی بیشتر کنند به کار می گیرند. آیا این استفاده ی ابزاری از زن توهین به مقام زن نیست ، و آیا زنانی که خود را از نگاه دیگران حفظ نمی کنند باعث این بی حرمتی نسبت به خود و دیگر زنان نشده اند ؟

موضوع ابزار شدن زنان و سوء استفاده از چهره و زیبایی آنان به حدی گسترش یافته که گاهی در جرایم می خوانیم حتی زنانی که به نظر می رسد، انسان هایی هنرمند ، مفید و آگاهی بخش هستند ، خود به این حقیقت تلخ اعتراف می کنند.

به این عبارات که اعترافات یک هنرپیشه معروف سینماست ، توجه کن :

من خودم را ستاره به معنی کسی که فروش یک فیلم را تضمین کند نمی دانم . منتقدان مطبوعات و نشریات در نقد فیلم های من زیاد به بازی هایم توجه نمی کنند. این روزها احساس بدی به من دست داده است . خیلی بد است که یک بازیگر به این نتیجه برسد که تماشاگران صرفاً برای دیدن چهره اش به سینما می آیند نه به خاطر بازی اش. خودم به این نتیجه تلخ رسیده ام که باید در بازی هایم تجدید نظر کنم ...

آری این نتیجه بسیار تلخ است که به جای توجه به هنر ، علم ، تلاش و فعالیت های صحیح و رشد آور ، توجه جامعه به چهره ها و هوسرانی ها معطوف شود ، اما باید پاسخ این سوال را بیابیم که چه کسانی به این سوء استفاده ها و این بی حرمتی ها دامن می زنند و چه شیوه ی پوشش و حضوری زمینه ساز این تلخی هاست ؟
آیا اگر زنان جز با رعایت پوشش و وقار لازم حاضر به حضور در اجتماع نباشند و از عشوهِ گری و برخوردهای سبکسرانه و وسوسه انگیز پرهیز کنند و اجازه ی استفاده ابزاری از خود را به دیگران ندهند . باز هم این رویداد ها تلخ تکرار نمی شوند ؟

حال می پردازم به دومین نکته ای که مطرح کرده بودی :

۲- آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده ؟

بله ، اتفاقاً بحث لزوم پوشش بانوان از مواردی است که با صراحت و روشنی در قرآن آمده است .
در دو مورد مسئله پوشش در قرآن مطرح شده : یکی در **سوره ی نور** ، آیات ۳۰ و ۳۱ و دیگری در **سوره ی احزاب** آیه ی ۵۹ .

البته بر اهمیت عفت و پاکدامنی حفظ حرمت اجتماع ، به طرق مختلف و مکرر در قرآن تاکید است اما کیفیت پوشش بانوان در دو مورد به روشنی بیان شده است . من مضمون آیات ۳۰ و ۳۱ سوره ی نور را به طور خلاصه برایت می نویسم، ولی خودت می توانی به تفاسیر مراجعه کنی و بیشتر در مورد این آیات مطالعه کنی .
در این آیات این نکته ها مطرح شده :

الف- تذکر به مردان در باب پرهیز از نگاه حرام و رعایت پاکدامنی .

ب- تذکر به زنان در باب پرهیز از نگاه حرام و رعایت پاکدامنی .

ج- نهی زنان از آشکار نمودن زینت ها .

د- پوشاندن گردن و سینه ، با روسری یا مقنعه .

هـ - ذکر موارد استثناء از حکم پوشش .

و- پرهیز از خودنمایی و جلب توجه نامحرمان .

از این نکات آنچه بیشتر مربوط به بحث ماست نکات سوم و چهارم است ، برای همین به بررسی بیشتر این دو نکته می پردازیم .

نهی زنان از آشکار نمودن زینت

در بخشی از آیه می خوانیم : ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها . یعنی نباید زنان زینت های خود را آشکار نمایند جز آن مقدار که طبیعتا ظاهر است .

واژه ی زینت در لغت به معنی چیزی است که موجب آراستگی است .

در کهن ترین متون لغوی می خوانیم : "الزین نقض الشین ... و الزینة جامع لكل ما یتزین به " زیبایی نقیض زشتی است... و زینت آن چه را به واسطه ی آن آراستگی حاصل آید در بر دارد.

پس در حقیقت زینت عبارت است از نیکویی در هر چیزی ، خواه عرضی باشد یا ذاتی .

بنابراین زینت در زن ، هر چیزی است که در شمار زیبایی ها و آراستگی ها و نیکویی ها آید.

بنابراین می توانیم زینت ها را چنین تقسیم بندی کنیم :

زینت : طبیعی: مانند موی سر
*مصنوعی

*مصنوعی رنگ : مانند آنچه با لوازم آرایشی بر روی صورت انجام می شود

لباس: مانند برخی روسری ها که رنگ و نقش جالب توجه و تحریک کننده دارد

زیور : مانند النگو و گردن بند

اکنون که مفهوم زینت روشن شد باز هم آیه شریفه را مرور می کنیم .

" آنان نباید زینت خود را آشکار سازند "

با توجه به مصادیق زینت و مثال هایی که زدم ، بروشنی از آیه ی شریفه استفاده می شود که خداوند اجازه نداده است زینت زن یعنی موی سر او، آرایش صورت ، لباس های مهیج و زیورآلات او برای نامحرمان آشکار باشد .

اما در ادامه ی آیه می فرماید " و لیضربن بخرهن علی جیوبهن "

واژه ی "خُمر" جمع "خمار" در اصل به معنی پوشش است ولی معمولا به چیزی گفته می شود که زنان با آن سر

خود را می پوشانند (روسری یا مقنعه) . "جیوب" جمع "جیب" به معنی یقه ی پیراهن است که از آن به گریبان

تعبیر می شود و گاه به قسمت بالای سینه (به تناسب مجاورت با آن) نیز اطلاق می شود .

زنان قبل از نزول آیه ، دامنه ی روسری خود را به شانه ها یا پشت سر خود می افکندند به وطوری که گردن و کمی از سینه آن ها نمایان می شد و خداوند با فرستادن این آیه دستور داد : زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است پوشیده باشد .

پس می بینی که بحث پوشش بانوان و کیفیت آن بصراحت و روشنی در آیات قرآن مطرح شده و اکنون که فهمیدی رعایت پوشش خواست خداوند عزیزمان است به توضیح نسبت به فلسفه و حکمت آن می پردازم .

۳- حکمت و انگیزه های پوشش :

خواهرم، پرسیده ای من به چه انگیزه ای پوشش داشته باشم و چرا از نوع لباس های باب روز و آرایش ها استفاده نکنم.

من معتقدم اگر خودت دقایقی را به این کار اختصاص دهی و با خودت خلوت کنی و درباره ی این موضوع بیندیشی انگیزه های ارزشمندی پیدا می کنی . در واقع ارزشش را دارد آدم برای گزینش یک شیوه ی زندگی صحیح وقت صرف کند. چرا که زندگی به منزله ی جاده ای است که در آن روان هستیم ، هر روز ، هر هفته و هر ماه مقداری از این مسیر طی می شود و راه بازگشتی هم نداریم . تاکنون از چند مرحله عبور کرده ایم؛ نوزادی ، کودکی، نوجوانی و همین طور در حال گذر و حرکت هستیم . آیا سزاوار نیست ساعتی فکر کنیم و جهتی را انتخاب کنیم که به ناکجا آباد نباشد !؟

به نظر من هر بانوی مسلمان می تواند با انگیزه هایی که برایت می نویسم پوشش مناسب داشته و حضورش در جامعه حضوری سالم و مفید باشد.

ابراز صداقت و دوستی با خداوند :

لابد تو هم بارها شاهد بوده ای که افرادی به خودت یا دیگران اظهار دوستی و علاقه و ارادت کرده و گاهی از الفاظ نظیر چاکرم ، مخلصم ، فدایت شوم و ... استفاده کرده اند اما فرض کن روزی به یکی از این افراد بگویی من مبلغی پول لازم دارم ، در جواب بگوید : " شرمنده ام . اتفاقا من می خواستم همین درخواست را از شما بکنم . "

روز دیگر به او بگویی اگر ممکن است فلان کتاب را به من امانت بده بخوانم ، بگوید : " اتفاقا خودم تصمیم گرفته ام آن را مطالعه کنم. " بار دیگر و بار دیگر . هر بار از انجام خواسته ات سرباز زند و تنها به همان چاکرم و فدایت شوم اکتفا کند.

قضاوت تو در باره ی او چیست ؟

آیا در دل نمی گویی این چه دوستی است که از زبان فراتر نمی رود و هیچ نمودی در خارج ندارد ؟

اکنون درباره ی رابطه خود با خدا بیندیش ما به خدای مهربان مان اظهار بندگی و اطاعت و دوستی می کنیم . اما نشانه ی صداقت در این دوستی انجام کاری است که او می پسندد .

بهترین انگیزه برای پوشش تو همین است که بخواهی به پروردگار خودت ، خالق و رازق و فریادرس و بهترین دوست خودت ، اظهار محبت کنی و صداقت خود را گردن نهادن به خواسته ی او ثابت کنی.

شکر نعمت سلامتی و زیبایی

وقتی انسان سری به بیمارستان می زند و بیمارانی را می بیند که از نعمت سلامتی محرومند. جوان هایی را می بیند که چگونه روی تخت ها افتاده و در آرزوی روزی هستند که بتوانند با پای خود به محیط خانواده و جامعه باز گردند آنگاه متوجه نعمت سلامتی می شود .

این سلامتی و زیبایی که از بزرگترین نعمت های خداوند است تشکر لازم دارد و حداقل تشکر و سپاسگزاری این است که به وسیله همان نعمت با بخشنده ی نعمت مخالف و معصیت نکند.

خواهرم این بار که در آینه نگاه می کنی لحظاتی با خود بیندیش چه کسی این چشم های زیبا را به من داده است .

این همه ظرافت ، دقت ! راستی اگر این چشم ها نباشند زندگی من چقدر متفاوت می شود ؟ آیا انصاف است با

همین نعمت ها با دشمن خدا ، (شیطان) همکاری کنم و خواسته ی بخشنده ی این نعمت ها را نایده بگیرم !؟

خواهرم تقاضا دارم با حوصله بیشتر به این عبارات دقت کنی . اگر روزی همراه فرزندت از راهی عبور کنی چند

کودک را ببینی که مشغول بازی هستند ، از سبد سیبی که همراه داری به هر کدام سیبی بدهی ولی آن ها نه تنها

از تو تشکر نکنند بلکه کمی از سیب ها را خورده و باقیمانده ی آنرا به سر و صورت فرزندت بزنند و او را مجروح

کنند قضاوت تو در مورد آن ها چیست؟

خداوند سبحان که فرزند ندارد ، اما مردم بندگان خدا و خانواده ی او هستند ؛ اگر خانمی به جای شکر نعمت

زیبایی و سلامتی ، سبب بیماری روحی و آسیب دیدن باطن و روان بندگان خدا شود و آنان را از راه سعادت و

کمال منحرف کند و به بیراه ، هواپرستی و شهوترانی بکشاند ، چنین فردی چه تفاوتی با آن کودکان ناسپاس دارد ؟

آری ، شکر نعمت زیبایی و سلامتی ، انگیزه ی مهم دیگری برای رعایت پوشش خداپسندانه است .

خلع سلاح شیطان :

شیطان که دشمن قسم خورده ی ما انسان هاست ، همواره در صدد فریبکاری و ضربه زدن به ماست . او در پی

زمینه هایی می گردد که بهتر بتواند انسان هارا فریب دهد . برای همین است که می بینی وقتی پای پول ، مقام ،

شهرت و منافع درمیان است انسان ها بیشتر فریب شیطان را می خورند و می لعزند زیرا در این گونه موقعیت ها

شیطان فعالیت و وسوسه گری خود را افزایش می دهد و می کوشد ایمان انسان را برآید. حال اگر ما سبب شویم

شیطان در کار خود موفق شود ، به جای اینکه یاور خدا و دین خدا باشیم ، خواسته یا ناخواسته یاور شیطان

شده ایم و شکی نیست که نداشتن پوشش مناسب و آرایش و خودنمایی زنان از بهترین دام ها و وسائل وسوسه

شیطان و فریبکاری اوست . چه بسیار پاکانی که تسلیم زر و زور نشده اند ولی شیطان آنان را از طریق زنانی

بی توجه و خام ، زمین زده و از بهشت برین به جهنم کشانده است .

آری ، بی جهت نیست که پیامبر عزیزمان فرمودند :

"النظر سهم مسموم من سهام ابلیس" ، نگاه حرام تیر زهر آلود شیطان است .

یعنی همان گونه که یک شکارچی اگر نتواند آهوی تیزپایی را شکار کند با پرتاب تیری او را ضعیف و حرکت او را

کند می کند و آن گاه به سرعت خود را به او می رساند و او را می گیرد .

همین طور وقتی شیطان می خواهد دختر یا پسری باایمان و متعهد را اسیر خود کند ولی مقاومت او را می بیند ، ابتدا او را وسوسه می کند تا با چشمش خیانت می کند و با ترغیب او به نگاه حرام ، نیروی ایمان را در وجود او تضعیف می کند و کم کم او را به دام خود می اندازد .

می خواهم نتیجه بگیرم که یکی از انگیزه های قوی حفظ پوشش و عفاف و وقار ، این است که هر بانوی مسلمان و معتقد این سلاح را از شیطان می گیرد و او را از خود ناامید می کند و اجازه نمی دهد شیطان از او سوءاستفاده کند و او را در دام گرفتار نماید .

تحصیل امنیت فردی و اجتماعی :

خانمی که پوشش صحیح ندارد و خود آرایی می کند، افراد مریض و مغرض را متوجه خود می کند و طبیعی است که چنین افرادی مزاحمت هایی برای او ایجاد می کنند و کم کم با شیوع این برخورد ها ، ناامنی در جامعه گسترش می یابد. همان گونه که قبلا اشاره کردم اغلب اسیدپاشی ها ، آدم ربایی ها ، تعرض ها و بی حرمتی ها نسبت به خانم هایی صورت گرفته و می گیرد که از پوشش خوب و وقار لازم برخوردار نبوده اند . پس می شود ادعا کرد حفظ امنیت فردی و اجتماعی هم از جمله انگیزه های قوی حفظ پوشش است .

شریک نشدن در جرم و تقصیر دیگران :

برخی از خانم هایی که با پوشش مهیج و آرایش های توجه بر انگیز در کوچه و خیابان حاضر می شوند می گویند: " ما نه خود اهل هرزگی و خیانت به همسران مان هستیم و نه به افراد فاسد اجازه می دهیم که متعرض ما شوند و حتی با ما صحبت کنند ؛ پس ما در عین حال که پوشش لازم را نداریم هرگز اجازه نمی دهیم از ما سوءاستفاده شود و یا به دام افراد شیاد و فرصت طلب بیفتیم." باید به چنین بانوانی گفت وقار و متانت شما در مقابل نامحرمان ستودنی و ارزشمند است اما از دو نکته نباید غافل شد .

پیش از هر چیز ، وقتی فهمیدیم پوشش بانوان خواست خداوند و فرمان اوست ، در هر حال باید مطیع او باشیم ؛ خواه زمینه ی سوءاستفاده ی شیاطین فراهم باشد خواه نباشد. دوم اینکه گاهی اتفاقی می افتد مثلا جوانی با دیدن یک خانم که پوشش مناسب ندارد و با سر و وضعی برانگیزاننده و در خیابان حاضر شده ، تحت تاثیر وسوسه های شیطانی قرار گیرد و بخواهد مزاحمتی برای آن خانم ایجاد کند اما با برخورد تند او مواجه شود و برگردد . ولی این طوفان درونی او را به حال خود نمی گذارد و باعث می شود او به سراغ دیگری برود و برای بقیه مزاحمت ایجاد کند . فریب خوردن دختری جوان و جداسدن او از خانواده ، در گیری و ضرب و شتم و گاهی فجایع دیگر ، همه و همه پیامدهای این وضعیت اند . عامل اصلی این خطاها و خسارت ها اولین خانمی است که با وضع نادرست خود ، زمینه ساز این وسوسه ها و اشتباهات شده است. گاهی این اشتباهات به خطاهای بزرگ و بزرگ تر منجر می شود و جرمی بسیار سنگین پدید می آید و صد البته ، مسئولیت عمده ی این وضعیت بر دوش مسبب اصلی و عامل اول است .

بگذار خاطره ی تلخی را برایت بازگو کنم که هرگز آن را فراموش نمی کنم ؛ جوانی پس از درد دل کردن های مفصل با من ، می گفت : " هر گناهی که شما تصور کنید از من سر زده و آغاز همه ی این انحرافات ، دیدن یک منظره ی مهیج و تحریک کننده بود." "

خواهرم! خوب بیندیش؛ اگر آن منظره، ظاهر خانمی بی احتیاط باشد که با لباس و آرایش خاص خود این جوان را در معرض سیل وسوسه های شیطانی قرار داده، چقدر جرم او سنگین است و در چه گناهان بزرگی شریک شده، در حالی که از همه جا بی خبر، در دل می گوید من که به کسی کار ندارم و به راه خودم می روم. پس گاهی رعایت نکردن پوشش و نداشتن وقار لازم انسان را شریک جرم دیگران قرار می دهد.

آثار دیگر:

علاوه بر آنچه برایت نوشتم، رعایت پوشش مناسب برای هر بانوی مسلمان آثار و برکات جانبی دیگری هم دارد؛ مانند تشویق دیگران به بندگی خدا و رعایت خواست او. زیرا در هر جامعه ای می توان مردم را به سه دسته تقسیم کرد: **دسته ی اول** کسانی هستند که خوبند و در خوبی خود محکم و پا بر جا هستند.

دسته ی دوم بدان افراد نادرستی که در خطاکاری خود پا بر جا و ثابت قدم اند، این دو دسته همیشه در اقلیت هستند. اما اکثریت افراد هر جامعه که **دسته ی سوم** را تشکیل می دهند تابع وضع موجود و شرایط حاکم هستند و اگر خوبی ها رواج یابد ایشان هم تبعیت می کنند و اگر رسم ها و قواعد نادرستی در جامعه عرضه شود از همان پیروی می کنند.

بنابر این کسانی که راه و رسمی را در جامعه نشر می دهند و در چگونگی رفتار سایر افراد دخیل هستند، چه آن راه و رسم خوب باشد چه بد.

پیامبر عزیزمان می فرماید: "هر کس سنت و روش حسنه ای را رواج دهد که پس از او دیگران از آن تبعیت کنند، با عمل خوب هر نفر ثوابی هم به آغازگر آن سنت حسنه داده می شود بدون اینکه از پاداش انجام دهنده ی عمل کم شود، و هر کس سنت و روش نادرستی را در جامعه رواج دهد و دیگران از او تبعیت نمایند با عمل هر کس، یک گناه هم در نامه ی اعمال آغازگر آن خطا و خلاف نوشته می شود بدون آنکه از گناه انجام دهنده ی آن چیزی کم شود." در مورد بحث ما هم باید اذعان کرد رعایت کننده ی پوشش مناسب، از پاداش تشویق دیگران به این عمل خدا پسند بهره مند است.

بگذار اضافه کنم از آثار این عمل ارزشمند تقویت اراده و مبارزه با نفس است.

می دانی که یکی از حالات نفس انسان، **نفس اماره** نامیده می شود که همواره انسان را به بدی ها و او می دارد. برخی گفته اند کسی که به خواست نفس خود عمل کند و به فرمان او از فرمان خداوند سرپیچی کند، مانند شخصی است که بچه گرگی را از بیابان گرفته و چون نوزاد هر حیوانی دوست داشتنی است به او غذا می دهد و با او بازی می کند؛ غافل از آنکه هر لقمه ای که به او می دهد دشمن خطرناکی را می پروراند که وقتی قوی شد اول خود را از بین می برد.

خانمی که گرچه میل باطنی و خواست نفسانی او خودنمایی و آراستگی در مقابل نامحرمان است اما برای خدا و جلب رضای او با خواست نفس خود مبارزه و پوشش لازم را رعایت می کند، به تدریج از اراده ی قوی برخوردار می شود و در سایر امور هم می تواند بر اساس عقل و طبق فرمان های خدای مهربان عمل نماید. چنین انسانی راحت تر می تواند سایر غرایز مانند ریاست طلبی و حرص و طمع را در وجود خود مهار کند.

۴- چرا به مردان نمی گویند نگاه نکنید ، تا زنان مجبور نباشند خود را بپوشانند ؟

می دانم حالا که به این بخش نامه رسیده ای دیگر این سوال برای تو مطرح نیست زیرا ملاحظه کرده ای که نه تنها به مردان تذکر داده شده بلکه قبل از هر سختی و در اولین جمله بر همین نکته تاکید شده است .
در **سوره ی مبارکه ی نور** ، آنجا که خداوند می خواهد به زنان توصیه کند پوشش لازم را در مقابل نامحرم داشته باشید ابتدا در مورد نگاه مردان توصیه نموده و به پیامبر اکرم می فرماید :

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم

ای پیامبر به مردان مومن بگو نگاه خود را کوتاه نموده و به حرام چشم ندوزند.

اما بدیهی است نمی شود تنها به این تذکر اکتفا نمود بلکه باید زمینه های نگاه حرام هم برچیده شود. همان گونه که برای حفظ امنیت اموال یک جامعه نمی توان تنها به مردم توصیه نمود که چشم به اموال دیگران نداشته باشید و در ملک دیگران تصرف نکنید بلکه باید علاوه بر این توصیه اشیاء ارزشمند را از دسترس دور نگه داشت و از آن ها مراقبت نمود.

این است که در فرمان های الهی که تنها ضامن حفظ سلامت و امنیت شخص و جامعه است هر دو جهت رعایت شده و دستور لازم هم به مردان و هم به زنان داده شده است .

۵- چرا مردان مجازند هر کاری می خواهند بکنند و هر گونه می خواهند لباس بپوشند اما زنان باید پوشش را

رعایت کنند؟

در پاسخ این سوال باید بگوییم این طور نیست که مردان هیچ تکلیفی نداشته باشند و هرگونه لباس بپوشند از منظر دین بی اشکال باشد، بلکه چون هدف تمام این دستورات حفظ حرمت اجتماع و تامین امنیت جسمی و روحی جامعه و پیشگیری از نفوذ شیطان و افکار شیطانی در میان انسان هاست، اگر مردی بداند حضور او در جامعه با وضعیتی خاص مانند پوشیدن لباس آستین کوتاه یا آرایش و پیرایش او دیگران را به گناه وا می دارد باید از آن وضعیت اجتناب کند .

اما علت اینکه کمتر به مردان در مورد پوشش تذکر داده شده است این است که خداوند زیبایی و جاذبه را در وجود زن قرار داده و مردان عموماً آنچنان تهیج کننده نیستند که لازم باشد کاملاً خود را بپوشانند پس دستور پوشش به تناسب جاذبه و زیبایی داده شده . شاهد این مدعا این است که می بینیم در طول تاریخ غالباً زن ها صید و مردان صیاد بوده اند و همواره در ادبیات و قصه ها و اشعار از جاذبه و زیبایی زنان سخن به میان آمده ، ولی هرگز شاعری به توصیف زیبایی های جسمانی هیچ مردی نپرداخته است . پس ملاحظه می کنی که هرگز مسئله تبعیض بین زن و مرد مطرح نیست بلکه خداوند حکیم بر اساس واقعیت ها و ویژگی های جسمانی و حالات روحی زن و مرد برای آنان تکالیفی معین فرموده است . اما در بخشی از نامه ات نوشته ای :

۶- من که قصد ایجاد انحراف و فساد ندارم .

خواهرم ! برایم نوشتی : گرچه من با آرایش و لباس های شیک بیرون می آیم ، هرگز قصد ایجاد انحراف و فساد ندارم.

قبل از اظهار نظر در مورد این حرفت چند سوال دارم :

اگر پس از یک روز پرکار و خسته کننده بخواهی به استراحت بپردازی اما همسایه صدای تلویزیون را بلند کند فقط برای اینکه خودش اینطور دوست دارد و از صدای بلند خوشش می آید و به هیچ وجه هم قصد مردم آزاری نداشته باشند، صدای تلویزیون او مزاحم استراحت تو نیست!؟

آیا هنگامی که در یک روز سرد زمستان سوار تاکسی شده ای تا به مقصدی بروی و به دلیل سرما شیشه ها هم بالا است ، مسافر کنار تو سیگاری را روشن کند و مشغول کشیدن شود و در همین حال ضمن عذرخواهی بگوید : " من برای این کار که گرم شوم سیگار می کشم " ، دیگر دود سیگار به سلامتی تو آسیبی نمی رساند و از این وضع ناراحت نمی شوی!؟ و بالاخره اگر کسی که به تازگی عصایی خریده و نمی داند آن عصا چقدر محکم است ، به قصد آزمودن استحکام عصا آن را بر سر دیگری بکوبد ، آسیبی به آن شخص نمی رسد!؟ پس می توانیم نتیجه بگیریم که "خطر" علی رغم "قصد سوء نداشتن" از بین نمی رود ، باید "عامل خطر" را از بین برد. اما می رسیم به آنجا که بر این نکته انگشت گذاشته ای :

۷- این همه بی حجابی :

نوشته بودی : **با بودن بی حجاب های فراوان که در هر حال اثر خود را می گذارد ، رعایت کردن و نکردن من چه تفاوتی دارد؟**

من معتقدم حتی اگر همه ی خانم هایی که در کوچه و خیابان هستند رعایت پوشش را نمایند باز هم تو دلایل کافی برای حفظ پوشش خداپسندانه داری .

اول اینکه تو مسوول گناهان صورت گرفته نباشی :

هر کس مرتکب خطایی شود ، خود مسئول است و باید در دادگاه الهی پاسخگو باشد .
اگر کسی به نحوی با خبر شود که امشب چند سارق قصد دارند از منزل همسایه اش که به مسافرت رفته سرقت کنند و یقین داشته باشند حتما امشب قالی های همسایه به سرقت می رود و در دل بگویند در هر حال که فرش های همسایه از دستش می رود ، پس من خودم آن ها را بر می دارم و قبل از دزدها به خانه ی همسایه بروم و فرش ها را به منزل خود انتقال دهم . قضاوت تو درباره ی کار این شخص چیست؟ و اگر بگویند که در هر حال فرش ها را از دست می داد ، کار من چه ضرر بیشتری برای او داشت ، پاسخ تو چیست؟
آیا نمی گویی بله ، در هر حال فرش ها می رفت اما آن که باید پاسخ گو باشد متفاوت است . اگر سارقان می بردند آنان گرفتار می شدند و بایست خسارت می دادند ولی اکنون تو مسئول این خسارت هستی .
در بحث پوشش هم ، درست است که با بودن افراد بی حجاب ، جوان هایی به انحراف کشانده می شوند ولی اگر تو پوشیدگی را رعایت نکنی در مسئولیت انحراف و مفساد ایجاد شده سهیم خواهی بود .

اما دومین دلیل : حفظ ارزش ها

اگر هنگامی که در جامعه دروغ زیاد شد ، افراد راستگو هم بگویند با این همه دروغ راستگویی ما چه فایده دارد و آنان هم به دروغگویان بپیوندند ، و با افزایش خیانت ، امانت داران هم به آنان ملحق شوند و با فراوان شدن کسانی که رعایت پوشش صحیح را نمی کنند دیگران هم به آنان اقتدا نمایند ، دیگر ارزش ها در جامعه کمرنگ می شود و

نسل جدید با ارزش هایی مانند راستگویی ، امانت داری و ... بیگانه می شود. پس یکی از انگیزه های مهم عمل به درستی ها ، حتی در شرایطی که کمتر به آن ها توجه می شود ، حفظ ارزش هاست و اگر کسانی که به ارزش ها عمل می کنند از موضع خود عقب ننشینند و استقامت نمایند ، امید هست علاوه بر ارزش ها، دیگران هم به آنان بپیوندند و کم کم صفات پسندیده در جامعه رواج یابد . می رسیم به سومین دلیل که از نظر من مهم ترین دلیل هم هست :

اطاعت از پروردگار و محترم شمردن دستور خداوند :

حتما می دانی که حکم خداوند با بی توجهی برخی افراد و حتی عمل نکردن همه ی انسان ها از بین نمی رود . پس هر چند خیلی ها به مسئله پوشش که دستور و خواست خداوند است بی توجه شوند باز این برنامه ی قرآنی به قوت خود باقی است و باید به آن احترام گذاشت.
نکته ی دیگری که مطرح کرده ای این است :

۸- اگر همه ی زن ها آزاد باشند مسئله طبیعی و عادی می شود .

خواهرم ! پیش تر از دیگران هم شنیده بودم که اگر در جامعه ی ما هم گناه و بی بند و باری آزاد باشد ، این مسائل عادی می شود و این قدر مردم حریص گناه نخواهند بود.
البته من هم با "عادی شدن " موافقم اما به نظر من در آن صورت دو چیز طبیعی و عادی می شود .
الف: مرحله ای از گناه و فساد عادی می شود و افراد به دنبال مرحله ی جدیدی می روند نه اینکه فساد به کلی تعطیل شود .

برای جوانی که سیگار به وفور در اختیارش باشد ممکن است سیگار کشیدن عادی شود اما در این صورت به مواد مخدر قوی تری روی می آورد .

همان گونه که در جامعه ی ما ، وقتی پیدابودن قسمت کمی از جلوی موی سر خانم ها عادی شد و هیچ کس از دیدن آن تعجب نکرد ، باز شدن یقه ها، کوتاه شدن مانتو ها ، بالارفتن آستین ها و مراحل بعد آغاز شد . پس عادی شدن به معنی تمام شدن خطا و خلاف نیست بلکه انتقال به مرحله ی خطرناک تر و پر فساد تر است.

ب : عادی شدن آثار و عواقب گناه :

تصور کن خانمی به دیدن دوستش رفته و با لحنی حاکی از تعجب به دوستش می گوید چرا کبریت ، چرخ گوشت ، و کارد را قایم کرده ای و در قسمت های دور از دیدرس آشپزخانه گذاشته ای .

در منزل ما این چیزها در دسترس است و همه چیز هم برای بچه ها عادی شده ، آن قدر این ها را دیده اند که برایشان کاملا طبیعی است اما پس از چند دقیقه که دوستش از او می پرسد چرا فرهاد کوچولو را با خودت نیاورده ای می گوید ، همین دیروز انگشتانش را توی چرخ گوشت فرو کرده بود ، بردمش بیمارستان. و وقتی از او احوال مژگان را می پرسد می گوید او هم با کادر انگشتش را قطع کرده و بر روی تختی کنار فرهاد در بیمارستان بستری است و موقع رفتن ، زمانی که دوستش می گوید ببخشید ، جمعه ی آینده مجلس داریم . اگر اشکالی ندارد ، قالی اتاق پذیرایی را یک روزه به ما امانت بدهید، شرمسارانه می گوید شرمنده ام ، همین هفته قبل بچه ها با کبریت بازی می کردند ، گل وسط قالی را سوزانده اند .

یعنی در حالی که به عواقب خطرناک در دسترس بودن ، آزاد بودن ، اعتراف می کند در همان حال از عادی شده سخن می گوید . پس آنچه عادی شده ، مشاهده ی عواقب کار خلاف است . خواهرم ، واقعیت و آمار و گزارش ها حاکی از این است که در جوامع غربی ، همان جاهایی که ما گمان می کنیم برهنه بودن و آزاد بودن ارتباطات زن و مرد عادی است و بر این اساس هیچ معضلی ندارند، فساد و تباهی و تجاوز به حقوق و حدود یکدیگر روز افزون است و از عادی شدن به معنی پایان خطا و خلاف هرگز خبری نیست . کافی است به قصد تحقیق تعدادی روزنامه و مجله را ورق بزنی تا از آثار شوم این عادی شدن ها آگاه تر شوی . من دو ، سه گزارش از چند روزنامه ی متعلق به چند سال پیش برایت می نویسم . تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل :

به گزارش تحقیقاتی که از سوی اداره ی مطالعات جمعیت انگلیس تهیه گردیده است ، در سه ماهه ی آخر سال گذشته میلادی بیش از ۳۱٪ از کودکانی که در مناطق انگلیس به دنیا آمده اند پدر مشخص نداشته اند . شبکه ی تلویزیونی CNN (سی . ان . ان) در گزارش خود می گوید : ۵۰٪ کودکان در امریکا را اطفال نامشروع تشکیل می دهند و شمار خانواده هایی که قربانی طلاق شده اند نیز رو به افزایش است . تلویزیون CNN فیلم های کوتاهی از حمله به دختران و زن ها و کمک خواستن آنان از مردم و پلیس را نشان داد و اضافه کرد که حقیقتا کار جرم و جنایت در جامعه ی امریکا به مراحل حاد کشیده شده است ، به طوری که آمار قتل ، تعرض جنسی ، دزدی و انواع شرارت ها روز به روز در شهر های امریکا افزایش می یابد و پلیس که قادر به جلوگیری از این جرایم نیست ، به زنان و دختران توصیه می کند سلاح گرم یا سرد یا سرنگ های مختلف محتوی داروی بیهوشی همراه خود داشته باشند تا بتوانند در برابر حملات افراد شرور از خود دفاع کنند . خوب ، با تمام این اوصاف ، می خواهم پاسخ بخشی از نامه ات را بدهم که پرسیده ای :

۹- چرا حتی یک تار موی خانم ها نباید آشکار باشد ؟

برای فهم پاسخ این سوال دو نکته حائز اهمیت است .
الف : تمام احکام الهی بر اساس حکمت و برای خیر و مصلحت ما وضع شده است ، در کم و زیاد باید رعایت شود . به این مثال ها دقت کن : خون نجس است ، یک سطل خون نجس است ، یک کاسه ی خون ، یک استکان و حتی یک سر سوزن خون هم نجس است .
 سرقت مال مردم حرام است و در این مسئله تفاوتی بین یک کیسه گندم و یک مشت گندم وجود ندارد . حتی برداشتن یک دانه گندم هم بدون رضایت صاحبش حرام است .
 غذا خوردن برای شخص روزه دار در ماه مبارک رمضان حرام است و روزه را باطل می کند. حتی اگر یک دانه برنج را عمدا فرو دهد ، روزه اش باطل می شود.
 مسئله پوشش هم همین طور است و وقتی ظاهر بودن موهای سر در مقابل نامحرم حرام است ، چه تمام سر چه کمی از آن و چه حتی یک تار مو هم حرام است .
ب: تمام کار های خطا و نادرست از کم شروع می شود و اصولا شیطان بسیار با حوصله و پر طاقت است . ابتدا گناه و خطای بسیار کوچکی را پیشنهاد می کند و هنگامی که جواب مثبت شنید قدم بعدی را بر میدارد . خواهرم ، از

خودت می پرسم: اگر روزی ببینی فرزند کوچکت می خواهد یک پک به سیگار بزند چرا او را منع می کنی؟ مگر یک پک سیگار چقدر ضرر دارد؟ حتما می گویی مسئله یک پک نیست، بعد از آن هوس می کند یک سیگار بکشد و بعد یک بسته. و پس از مدتی دنبال منقل و وافور بود.

آری درست فهمیده ای، در مقابل هر چه نادرست و خطاست باید از اولین قدم ایستاد و از همان اندک پرهیز نمود، وگرنه قدم های بعدی ناگزیر برداشته خواهد شد. چه ضرب المثل پر محتوایی است که می گوید:

تخم مرغ دزد، شتر مرغ دزد می شود.

حال می پردازم به آخرین نکته ای که علامت سوالی را در ذهن تو شکل داده بود:

۱۰- در خانه ی خلوت و پوشش!؟

نوشته بودی: **چرا وقتی خانمی می خواهد نماز بخواند حتی اگر در خانه ی خلوت هم باشد باید پوشش را رعایت کند؟**

خواهرم، هرگز فراموش نکن که خداوند مهربان و حکیم همیشه خیر و سعادت بندگانش را می خواهد و هیچ تکلیف الهی بدون حکمت نیست. خواه ما آن را بفهمیم خواه نه. این دستور خداوند هم حکمت هایی دارد که این موارد می تواند بخشی از آن ها باشد:

الف: تمرین کمالات

نماز علاوه بر آثار و برکات فراوانی که دارد، تمرین کمالات است.

در نماز ما ارزش هایی مانند اخلاص، خضوع و خشوع در مقابل پروردگار، ذکر، قرآن، دعا و به فکر همه بودن را تمرین می کنیم. پس نماز مجموعه ای از کمالات و ارزش هاست و از آنجا که پوشش بانوان از نظر خداوند و در قرآن کریم ارزش و کمال زن محسوب می شود، این کمال هم هر روز و در کنار سایر کمالات تمرین و یادآوری می شود.

ب: اعلام آمادگی برای طاعت و بندگی.

فرمانده لشکری به سربازان و سپاهیان خود می گوید، یک سرباز منظم و وظیفه شناس باید همیشه در محیط پادگان با لباس فرم و پوتین حضور یابد. حال تصور کن هنگامی که به دفتر فرمانده وارد می شود (فرض کن این دفتر در خارج از پادگان و ساختمانی دیگر باشد) با لباس فرم و پوتین در این ملاقات حاضر شود، با عمل خود به فرمانده اعلام کرده است که من دستور شما را اطاعت می کنم. پس گاهی کیفیت و شکل حضور گویای حقیقتی است، هر چند آن حقیقت به زبان جاری نشود.

یک خانم مسلمان و معتقد و متعهد هم وقتی با پوشش خداپسند در ملاقات با خداوند حاضر می شود برای اجرای این دستور حکیمانه خداوند اعلام آمادگی و رضایت نموده است.

سخن آخر:

خواهرم در پایان از تو تقاضا دارم در آنچه برایت نوشتم اندیشه کن و درباره ی این نکته بیشتر فکر کن که دنیا فانی است و جوانی و جلوه های آن با سرعت می گذرد. چه بسیار پری رویانی که بر سر ازدواج با آنان رقابت ها و درگیری ها و مسابقه ها بود اما سالیان سال است که آن چهره های زیبا در زیر خاک آرمیده و چه بسا جز مشتی

استخوان از آنان چیزی نمانده باشد و آنچه باقی مانده ، صرفا عمل آنان و چگونگی استفاده ی ایشان از نعمت و زیبایی و سلامت است.

یادت است وقتی مدرسه می رفتیم چه ذوق و شوقی داشتیم؟ در روز های جشن و اعیاد بچه های هر کلاس ، کلاس خودشان را آذین می بستند ، هر کسی جایی برای خود در کلاس داشت ، یکی به دیگری می گفت جای من کنار پنجره است و منظره ی باغچه ی حیاط را می بینم . آن دیگری فخر می فروخت که من در نزدیک ترین نیمکت به معلم می نشینم و ...

اما سالیان سال است که دیگر ما دانش آموزان آن کلاس و آن مدرسه نیستیم و نه نیمکتی داریم و نه کلاسی ، و تنها آنچه از ما در آن مدرسه باقی است پرونده ها و نمره های ماست .

خواهرم ، زیبایی ، جوانی ، مورد توجه بودن ، سرآمد بودن ، و همه ی زیبایی های دنیا به سرعت می گذرد و فقط نمره ی هر کسی در مدرسه دنیا و بهره ی هر کسی از بازار دنیا در پرونده ی او باقی است .

گفتم بازار ، به یادم آمد این سخن زیبای امام دهم ، امام هادی علیه السلام که می فرماید : "دنيا بازاری است که برخی در آن سود می برند و گروهی زیان ."

آری ، این حقیقت قابل انکار نیست که دنیا بازاری است ، هر روز جمعی داخل این بازار و جمعی از آن خارج می شوند . عده ای با سرمایه ی عمر بهترین کالاها را که علم و عمل و جلب رضای پروردگار است از این بازار می خردند و با دست پر از آن خارج می شوند و عده ای سرمایه ها از کف داده و سودی نبرده اند ، با دست خالی از این بازار می روند .

پس همان گونه که هنگام خرید پارچه وقتی دو پارچه عرضه می شود آن ها را مقایسه می کنی و ویژگی های هر دو را در نظر می گیری و در نهایت هر کدام را با صرفه تر یافتی بر می داری ، در بین کارها هم باید این مقایسه را انجام دهی و هر کدام سودمندتر است آن را برگزینی .

در پایان این نامه (در صفحه ی آخر) و به عنوان خلاصه ی نامه آثار رعایت پوشش و عدم آن را فهرست وار یادآوری می کنم ؛ آن ها را با هم مقایسه کن و با استمداد از خداوند قادر مهربان راه ثواب و صواب را انتخاب کن .

پیامدهای:

رعایت پوشش	عدم رعایت پوشش		عدم رعایت پوشش	رعایت پوشش
رضایت خداوند	ناخشنودی پروردگار	۸	کمک به حفظ سلامت جامعه	عدم رعایت پوشش از بین بردن سلامت معنوی جامعه
مورد توجه اولیاء	مورد توجه افراد غافل و خطاکار واقع شدن	۹	کمک به حفظ نظام خانواده و گرمی آن	سرد شدن روابط و به خطر افتادن نظام خانواده
نا امید شدن شیطان	امیدوار نمودن شیطان	۱۰	آرامش روحی در اثر اطاعت از پروردگار	افزایش تنش و نگرانی
تقویت اراده و تسلط بر نفس	تضعیف اراده در اثر اطاعت از هوای نفس	۱۱	کمک به رشد فرهنگ و اقتصاد جامعه	تضعیف قوه ی فرهنگی و اقتصادی جامعه
امنیت فردی و اجتماعی	به خطر انداختن خود و دیگران	۱۲	تثبیت ارزش و حرمت واقعی زن در جامعه	کم کردن ارزش و حرمت زن
مجری حکم قرآن شدن	مجری نقشه های بد اندیشان و شیادان قرار گرفتن	۱۳	شریک جرم دیگران نبودن	مشارکت در جرم و خطای دیگران
تشویق دیگران در رسیدن به ارزش ها	دور کردن دیگران از ارزش ها	۱۴	دعای خیر خوبان را پشت سر داشتن	محرومیت از دعای خیر خوبان

این کتاب به صورت رایگان و با اجازه از موسسه فرهنگی موعود در فضای مجازی توسط سایت مداحان قم منتشر گردیده ، لذا در صورت تمایل به خرید این کتاب به صورت نسخه چاپی (اصلی) می توانید با شماره تلفن ۰۹۱۵۱۱۵۵۲۴۶ (موسسه فرهنگی موعود) تماس حاصل فرمایید .

درضمن سایت مداحان قم آماده ی انتشار مقالات و کتب مذهبی شما در اینترنت می باشد ، در صورت تمایل با شماره تلفن ۰۹۱۲۷۴۸۳۳۰۱ تماس حاصل فرمایید و یا فایل مورد نظر را به ایمیل سایت مداحان ارسال نمایید . info@maddahan.ir

و من الله توفیق

رمضان المبارک ۱۴۳۳ ه.ق / مردادماه ۱۳۹۱

امیرحسین فلاح اصل